

## تبیین دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن

بابک شمشیری: عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

اعظم دوستداری: کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

### چکیده

هدف کلی این مقاله بیان دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن می‌باشد. به این منظور با استفاده از رویکرد توصیفی-تفسیری، ابتدا دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری در ارتباط با کلیات اخلاقی، فضایل و رذایل اخلاقی و عوامل به وجود آورنده آن‌ها بیان شده و سپس دلالت‌های تربیت اخلاقی که شامل مفهوم، اهداف، معلّم، متعلّم و ارزشیابی تربیت اخلاقی است، استخراج گردیده است. بیان دلالت‌های تربیت اخلاقی به نوبه‌ی خود خواهد توانست دست‌اندرکاران سطوح مختلف نظام تعلیم و تربیت کنونی را بر نقاط قوت و ضعف خود آگاه نموده و مسیر اصلاح و پیشرفت در نظام آموزشی را هموار سازد.

**واژه‌های کلیدی:** تربیت اخلاقی، دلالت‌های تربیتی، شهید مطهری، فضایل اخلاقی، رذایل اخلاقی .

### مقدمه

یکی از دانش‌های ضروری که در دنیای امروز مورد غفلت واقع شده و لازم است نسبت به آن توجه بیشتری مبذول شود، دانش اخلاق است. اخلاق می‌تواند با شناسایی نیروها و استعدادها و وجودی انسان راه تربیت و روش تزکیه نفس را میسر نماید تا جایی که انسان به کمال لایق خویش برسد. پس علم اخلاق از ضروری‌ترین و کامل‌ترین علوم مقدمی است که انسان‌ها به آن نیاز مبرمی دارند؛ چرا که موضوع دانش اخلاق نفس انسان و سازندگی درونی اوست. زیرا اگر انسان نفس خویش را شناخت، اعانت بر شناختن آفریدگار خود می‌نماید (میناگر، ۱۳۸۱: ۱۲)

از سوی دیگر، پیشرفت بشر در زمینه‌های علم، فلسفه، عرفان و به‌طور کلی در همه‌ی زمینه‌های فرهنگی و معنوی مرهون تلاش‌ها و پژوهش‌های خستگی‌ناپذیر شخصیت‌هایی است که به دور از انگیزه‌های خودپرستانه و جاه‌طلبانه و بدون علاقه به شهرت و آوازه، عمر پربرکت خود را وقف کشف رازهای هستی نموده‌اند و هرگز ارزش والای حق و حقیقت و گوهر گرانبهای تقوی و فضیلت را به زر و زیور دنیا نفروخته و دل پاک و تابناک خود را به جاه و مقام زودگذر دنیا نفروخته‌اند (ابوالحسنی، ۱۳۶۲: ۹). شهید مرتضی مطهری، متفکر بزرگ ایرانی در عصر حاضر، نیز دارای چنین شخصیتی است. وی توانسته با استفاده از منابع عظیم اسلامی در زمینه‌های مختلفی چون فلسفه، منطق، کلام، اصول، فقه، تاریخ و غیره و با تعمق خاص خود به‌خصوص در مسائل فلسفی، علاوه بر به‌یادگار گذاشتن آثار جاوید و ماندگار در زمینه‌های مختلف، به ایجاد افقی تازه و روشن در جهت شناخت همه‌جانبه‌ی اسلام در همه‌ی ابعاد و سطوح اقدام نماید (بانشی، ۱۳۸۱: ۴).

به این ترتیب این پژوهش در پی پاسخگویی به دو پرسش عمده می‌باشد:

۱- دیدگاه‌های اخلاقی مطهری چیست؟

۲- دلالت‌های تربیتی آراء این متفکر در خصوص مفهوم، اهداف، معلم، متعلم و ارزشیابی تربیت

اخلاقی چیست؟

تبیین دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن/ ۱۵

هدف کلی این مقاله بیان دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن است. بیان دلالت‌های تربیت اخلاقی به نوبه‌ی خود خواهد توانست دست‌اندرکاران سطوح مختلف نظام تعلیم و تربیت کنونی را بر نقاط قوت و ضعف خود آگاه نموده و مسیر اصلاح و پیشرفت در نظام آموزشی را هموار سازد. به این ترتیب با استفاده از روش توصیفی - تفسیری ابتدا دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری را بیان و سپس دلالت‌های تربیت اخلاقی را از نظر وی استخراج می‌نماییم.

### دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری

به عقیده‌ی مطهری تربیت صحیح و همه‌جانبه، زمانی محقق خواهد شد که اولاً به رشد و پرورش استعداد‌های انسانی توجه شود، ثانیاً هماهنگی و تعادل میان استعداد‌های انسانی به وجود آید و به این ترتیب در درون انسان نظامی واحد و منسجم حکمفرما شود و ثالثاً استعدادها در حد عالی از فعلیت به ثمر رسند (بانسی، ۱۳۸۱: ۲۶۹). فایده‌ی تربیت این است که پایه‌های اخلاقی را به گونه‌ای در روح افراد شکل می‌دهد که هیچ‌گاه اراده‌ی انسان متوجه کارهای زشت و پست نمی‌شود و همیشه اعمال خیر و شایسته و به تعبیر قرآن «عمل صالح» غایت و هدف انسان قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۲).

به رابطه‌ی انسان با خودش (نفس خودش) اخلاق گفته می‌شود که درصد عمده‌ی سعادت بشر در گرو این رابطه است (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۶). مطهری در تعریف اخلاق چنین می‌گوید:

اخلاق عبارت است از یک سلسله خصلت‌ها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آن‌ها را به عنوان اصل اخلاقی می‌پذیرد؛ یا به عبارت دیگر، قالبی روحی برای انسان که روح انسان در آن قالب و در آن کادر و طبق آن طرح و نقشه ساخته می‌شود. در واقع اخلاق چگونگی روح انسان است (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۵۹-۱۵۸).

به عقیده‌ی مطهری، باید همه‌ی قوای بدنی و روحی و مخصوصاً قوای عالی انسانی از قبیل قوه‌ی اراده، فکر و تمرکز فکر را پرورش داد. پایه‌ی اخلاق نیز همین است که انسان اراده‌ای قوی و نیرومند داشته باشد؛ یعنی اراده‌ی انسان بر شهوت و عادتش حکومت کند، هم‌چنین بر طبیعتش

غالب باشد؛ یعنی شخص آن‌چنان با اراده باشد که اگر تشخیص داد که باید این کار را کرد، تصمیم بگیرد و هیچ طبیعی نتواند جلو او را بگیرد (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

مطهری، ایمان و مذهب را پشتوانه‌ی محکمی برای اخلاق می‌داند؛ یعنی اخلاق که خود یک سرمایه‌ی بزرگ زندگی است؛ بدون ایمان اساس و پایه درستی ندارد؛ زیر بنای همه اصول اخلاقی و منطق همه آن‌ها، بلکه سرسلسله همه معنویات، ایمان مذهبی یعنی ایمان و اعتقاد به خداست (حسینی، ۱۳۶۰: ۳۷).

اخلاق و تربیت و ایجاد عادت‌ها، طبیعت ثانوی و ملکات مصنوعی در روح انسان که «خُلُق» نامیده شده، چه ضرورتی در زندگی وی دارد و چگونه ضرورت پیدا کرده است؟ استاد با توجه به سه عامل نیاز به اخلاق را تشریح می‌کند:

۱- اخلاق شرط کمال انسان: به عقیده‌ی استاد مطهری این فصلی است که مربوط به ساختمان انسان می‌باشد و این که انسان از لحاظ غریزه ناقص آفریده شده است. در خلقت که چیزی ناقص آفریده نشده است؛ پس «ناقص آفریده شدن انسان» یعنی چه؟ مقصود چنین است: هر حیوانی از لحاظ غریزه و صفات طبیعی، متناسب با زندگی خودش در طبیعت مجهز شده است ولی خداوند تبارک و تعالی بشر را طوری آفریده است که با این که استعداد او از لحاظ ترقی و تکامل از هر حیوانی بیشتر است ولی از لحاظ غریزه و صفات اولیه طبیعی که برایش لازم و ضروری است، بسیار ضعیف و ناقص می‌باشد<sup>۱</sup> و در خود طبیعت بشر این استعداد را قرار داده است که بشر برای خود آن روش تربیتی و آن خُلُق را که لازم است انتخاب کند و معلمان و مربیان را وسیله‌ای قرار داده تا این نقص را که به نظر می‌رسد در طبیعت است تکمیل و تتمیم کنند (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

اخلاق استعدادی است که در وجود انسان نهفته است و برای این که انسان به کمال لایق خود برسد

۱ - وَ خُلُقَ الْإِنْسَانِ ضَعِيفًا . نساء: ۲۸

تبیین دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن/ ۱۷

باید این جنبه از وجود خود را نیز شکوفا سازد و این نوع کمال توسط یک سیستم اخلاقی به دست می‌آید (امید، ۱۳۸۱: ۱۴).

۲- اخلاق یکی از غایات بعثت: یکی از اهداف و غایات مهم بعثت که پیامبر اکرم (ص) آن را بیان فرموده همانا تتمیم و تکمیل خلق‌های فاضل و مکارم و صفات اخلاقی است<sup>۱</sup> (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۷).

۳- اخلاق و سرنوشت اخروی انسان: ملکات، خلقیات و اعمال ما دو وجه دارد: یکی صورتی ملکی که فانی و موقت است؛ یعنی همان چیزی که در این جهان به صورت خلقیات خاص و یا اعمال، تحقق می‌یابد، دوام اعمالی که صورت و وجهه‌ای ملکوتی دارد که پس از صدور از ما هرگز فانی نمی‌شود و از توابع و لوازم جدا نشدنی ما است. ملکات و اعمال و خلقیات ما از وجهی ملکوتی و چهره غیبی باقی است و زمانی خواهد رسید که ما به آنها واصل خواهیم شد و آنها را با همان وجهه و چهره مشاهده خواهیم کرد و زمینه و موجبات نعیم و لذت یا جحیم و عذاب ما همین امور خواهند بود (امید، ۱۳۸۱: ۱۵).

اعتقاد بر روی اخلاق و عمل تأثیر می‌گذارد و اخلاق و عمل نیز به نوبه خود بر روی اعتقاد، اثر می‌گذارند. معنویت یا مادیت اخلاقی و عملی کاملاً در اعتقاد مؤثر است و بالعکس، اعتقاد مادی یا غیرمادی نیز در اخلاق و عمل مؤثر واقع می‌شود. برای اعتقاد محکم و استوار داشتن باید فضای مساعد و مطلوب اخلاقی و عملی فراهم آورد (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۳۳-۲۲۵).  
استاد مطهری به سه نوع اخلاق در جوامع اسلامی اشاره می‌کند:

۱- اخلاق فیلسوفانه یا اخلاق سقراطی که به دلیل این که خیلی خشک و علمی بوده، از محیط علما و فلاسفه تجاوز نکرده و میان عموم مردم نرفته است ولی دو نوع اخلاق دیگر، میان مردم رفته است.

۱ - اَللّٰی بُعِثْتُ لَأَتَمَّ مَكَارِمِ الْاِخْلَاقِ

۲- اخلاق عارفانه؛ یعنی اخلاقی که عرفا و متصوّف مروج آن بوده‌اند، که البته با مقیاس وسیعی مبتنی بر کتاب و سنت است.

۳- اخلاق حدیثی؛ یعنی اخلاقی که محدّثین با نقل و نشر اخبار و احادیث در میان مردم به وجود آورده‌اند (مطهری، ۱۳۶: ۱۳۸۵-۱۳۵).

### فضایل اخلاقی

به نظر مطهری در میان قوا و غرایزی که در انسان وجود دارد؛ قوه‌ای مقدس و روحانی وجود دارد که حق و باطل و خیر و شر را می‌سنجد و درباره‌ی آن‌ها قضاوت می‌کند، فضیلت را هر چند در دیگری ببیند و با منافع شخصی او ارتباط نداشته باشد، تقدیس و تحسین می‌کند و از کارهای پلید هر چند در وجود خود ببیند، اظهار تنفر می‌کند، این غریزه، غریزه‌ی فضیلت‌دوستی و کمال پرستی نام دارد. این قوه‌ی بشر را پایبند یک سلسله مسائل معنوی و اصول اخلاقی و دینی نموده و اگر این قوه وجود نداشت، اخلاق، فضیلت، دین و آیین نیز وجود نداشت (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۵). از این رو با توجه به وجود چنین غریزه‌ای در وجود انسان چه باید کرد که بشر به فضایل اخلاقی در برابر منافع شخصی پایبند و معتقد شود و ایمان پیدا کند که به خاطر راستی، حق و عدالت از منافع شخصی خودش بگذرد؟ رمز این که هرچه دنیا عالم‌تر می‌شود، انسان بی‌عقیده‌تر می‌گردد و پایبندی‌اش به اصول اخلاقی کمتر می‌شود این است که غالباً اصول اخلاقی‌ای که به بشر تعلیم داده‌اند، منطقی، پشتوانه، اعتبار و پایه نداشته و صرفاً بر اساس یک سری تلقینات بوده است (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۳۲).

به نظر ایشان باید فرد را به گونه‌ای تربیت کرد که فضیلت را به خاطر خود فضیلت و نه برای چیز دیگر، دوست داشته باشد (مطهری، ۱۳۷: ۱۳۸۵).

بدون رنج و سختی نیز نمی‌توان به فضایل دست یافت. از این رو، همه‌ی فضایل اخلاقی نیاز به تمرین و ممارست و مجاهدت دارد (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۹۰). فضایل اخلاقی از نظر شهید مطهری عبارتند از: حکمت، شجاعت، عدالت، اراده و اختیار و ایثار.

فضایل اخلاقی تحت تأثیر عوامل بی شماری می‌باشند. در صورتی که فردی با چنین عواملی مواجه شود، موفقیت بیشتری در دستیابی به فضایل اخلاقی کسب می‌کند؛ البته نمی‌توان گفت که یک عامل به تنهایی آدمی را به سوی خیر و فضیلت سوق می‌دهد؛ بلکه مجموعه‌ای از این عوامل انسان را در داشتن اخلاق نیک و حسنه یاری می‌دهند. این عوامل نیز به این ترتیب می‌باشند: تزکیه و تهذیب نفس، خودآگاهی و خودشناسی، مالکیت بر نفس و تسلط بر خویشتن، وجدان، توبه، درد خداجویی، ازدواج، قلب سلیم و روحیه‌ی سالم، جهاد، مراقبه و محاسبه، کار، ایمان به خدا، اغتنام فرصت‌ها، نماز، روزه، تقویت حس اعتماد به نفس .

از سوی دیگر فضایی وجود دارند که علاوه بر این که خود نوعی فضیلت اخلاقی می‌باشند، به عنوان یکی از عوامل موثر در ایجاد فضایل اخلاقی نیز محسوب می‌شوند. این فضایل عبارتند از: خدمت به خلق، تقوا، غبطه، عبادت، زهد، تفکر و تعقل، محبت، عشق، آزادی، کرامت و عزت نفس، صبر، توکل و پرورش جسم (دوستداری، ۱۳۸۷).

### رذایل اخلاقی

مطهری در بین آثار خود، از رذایل بی شماری نام برده که گاهی فقط به ذکر نام آن رذیلت و مثالی برای فهم آن اکتفا کرده است. به عقیده‌ی استاد مطهری ممکن است انسان از نظر جسم، از نظر تعداد گلبول‌های سفید و قرمز خون، ویتامین‌ها و از نظر متابولیسم بدن و... سالم باشد ولی در عین حال از نظر روانی بیمار باشد. یا مثلاً «عقده روانی» داشته باشد. راه معالجه این بیماران روانی، داروهای مادی نیست؛ مثل کسی که دارای عقده روانی «تکبر» است. مطهری بر این باور است که «تکبر» واقعاً بیماری است، واقعاً اختلال روحی و روانی است؛ ولی آیا می‌شود یک دارو برای تکبر در داروخانه پیدا کرد؟ نه، امکان معالجه برای او هست ولی معالجه او راه دیگر دارد (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۴).

انواع رذایل اخلاقی از نظر مطهری عبارتند از: بغض، حسد، تن‌پروری، دروغ، تهمت، از خودبیگانگی، استثمار و ظلم. علاوه بر این برخی از فاکتورها و عوامل وجود دارند که منحصراً

دربه وجود آوردن رذایل اخلاقی تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم دارند. اگر انسانی به این عوامل برخورد کند، رذایل و صفات ناپسند و مذموم، زودتر از دیگران در وجود او رشد پیدا می‌کند. این عوامل عبارتند از: غرور، علم ناقص، تبعیض، بحران معنوی، آرزوهای دراز، افراط و تفریط در کار، به هم خوردن تعادل در اجتماع و فقدان عدالت اجتماعی (دوستداری، ۱۳۸۷).

### عوامل مؤثر در ایجاد فضایل و رذایل اخلاقی

اخلاق خوب و بد مثل همه چیزهای دنیا سبب و علت دارد؛ بی‌جهت پیدا نمی‌شود. سرشت و طینت مؤثر است، اوضاع محیط و تلقینات محیط مؤثر است، هم‌چنین محرومیت‌ها و احساس مغبوتیت‌ها در فساد اخلاق تأثیر دارد، روحیه را مسموم می‌کند و عاملی برای پیدایش حسادت، کینه، عداوت، و بدخواهی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۰۱). تعدادی از عوامل، سهم مشترک در ایجاد فضایل و رذایل دارند، از قبیل: محیط، همنشینی و... ولی برخی از عوامل منحصراً به ایجاد فضایل و یا بالعکس به ایجاد رذایل منجر می‌شود. عواملی که به صورت مجزا در ایجاد فضایل یا رذایل مؤثرند، در صفحات گذشته در ارتباط با آن‌ها بحث شد، در این جا به معرفی عواملی می‌پردازیم که سهمی یکسان در سوق دادن افراد به سوی فضایل یا رذایل دارند.

### طبیعت، گزینه و فطرت

به اعتقاد مطهری، اصطلاح «طبیعت» یا «طبع» معمولاً در مورد بی‌جان‌ها به کار برده می‌شود. مثلاً می‌گوییم طبع یا طبیعت اکسیژن قابل احتراق است. به این ترتیب برای اشیاء به اعتبار خواص گوناگونی که دارند، ویژگی‌های ذاتی قابل می‌شویم و این خصوصیات را طبیعت اشیاء می‌نامیم؛ البته لغت طبیعت را در مورد جاندارانی مثل گیاه و حیوان و حتی انسان‌ها نیز به کار می‌برند ولی در آن جنبه‌هایی که با بی‌جان‌ها مشترکند (مطهری، ۱۳۷۹: ۳۱).

لغت گزینه در مورد حیوانات بیشتر از انسان به کار می‌رود و برای جماد و نبات به هیچ وجه به کار نمی‌رود. گزینه یک حالت نیمه‌آگاهانه در حیوانات است که به موجب این حالت مسیر خود را



تبیین دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن / ۲۱

تشخیص می‌دهد. گزینه اکتسابی نیست؛ بلکه یک حالت غیراکتسابی و سرشتی در حیوانات است (مطهری، ۱۳۷۹: ۳۹).

در مورد انسان فطرت به کار برده می‌شود. فطرت نیز مانند گزینه و طبیعت یک امر تکوینی است، یعنی جزء سرشت انسان است و اکتسابی نیست. امری که از گزینه آگاهانه‌تر است، یعنی انسان از فطریات خود آگاهی دارد (مطهری، ۱۳۷۹: ۳۳).

بحث فطرت یک شاخه‌اش به انسان و یک شاخه‌اش به خدا برمی‌گردد. چون انسان دارای یک سلسله فطریات می‌باشد، قطعاً تربیت با در نظر گرفتن همان فطریات صورت می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۳). به این ترتیب، از نظر استاد انسان می‌تواند به حکم فطرت انسانی خود علیه محیط طبیعی و اجتماعی، علیه عوامل تاریخی و اجتماعی خود قیام کند و خود را از اسارت همه این‌ها رها سازد (حسینی، ۱۳۶۰: ۲۱). فطرت یکی از عواملی است که به طور غیرمستقیم و غیرارادی در ایجاد صفات حمیده و رذیله نقش دارد. به نظر شهید مطهری اخلاق خوب به طبیعت و فطرت نزدیک‌تر است؛ به عبارت دیگر طبیعت و فطرت روحی بشر به راستی، درستی، تقوا، عدالت، آزادی و کرامت است (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۹۰). از این رو شخصیت انسانی انسان به همان فطرت‌های انسانی اوست و چون فطرت به صورت یک استعداد در انسان است، مانند هر استعداد دیگری قابل رشد دادن و محو کردن و از بین بردن است (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۶۲).

### محیط

محیط یعنی مجموعه‌ای از انسان‌ها و آثار آن‌ها که هر فردی خواه ناخواه با آن‌ها مواجه است. محیط اگر فاسد و منافی اخلاق پسندیده باشد، اخلاق افراد را فاسد می‌گرداند. طبیعت روحی و اخلاقی انسان مانند آب است؛ تحت تأثیر اشیاء مجاور قرار می‌گیرد. بستر آلوده یعنی محیط اجتماعی آلوده وی را آلوده می‌کند و او را به شکل و طبیعت خود درمی‌آورد (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۹۱). برای یک موجود زنده آسایش و خوشی آن‌گاه فراهم است که با محیط و مجموع عواملی

که او را احاطه کرده است، هماهنگ و سازگار باشد. در ارتباط با انسان باید دو محیط مدنظر قرار بگیرد: محیط طبیعی و جغرافیایی و محیط اجتماعی.

محیط طبیعی و جغرافیایی انسان و مکان و منطقه‌ای که در آن رشد و نما می‌کند، خواه ناخواه یک سلسله آثار قهری بر روی اندام و روحیه انسان می‌گذارد. مناطق سردسیر، گرمسیر و معتدله و هم‌چنین مناطق کوهستانی یا صحرایی و نظایر آن هر کدام نوعی روحیه و اخلاق را ایجاد می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۷). علاوه بر این محیط اجتماعی انسان عامل مهمی در تکوین خصوصیات روحی و اخلاقی او به شمار می‌رود. محیط اجتماعی غالباً چیزهایی از قبیل: آداب عرفی و اجتماعی، زبان و دین و مذهب را به انسان تحمیل (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۳). تأثیر جو اجتماعی مستقیم نیست؛ بلکه غیرمستقیم است. محیط اجتماعی باید مساعد باشد. جو فاسد اجتماعی، جو روحی را فاسد می‌کند و جو فاسد روحی، زمینه رشد اندیشه‌های متعالی را ضعیف و زمینه رشد اندیشه‌های پست را تقویت می‌کند. از این رو باید توجه بیشتری به اصلاح محیط اجتماعی شود (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۲۶)

مطهری در جایی دیگر فساد موجود در محیط را مانع تکامل انسان نمی‌داند:

« اتفاقاً در جامعه‌هایی که فساد هست و احیاناً فساد بیشتر است، زمینه برای تکامل روحی و اخلاقی انسان بیشتر است. اشتباه نشود؛ چون تکامل روحی، اخلاقی و معنوی انسان نتیجه مقاومت کردن در برابر جریان‌های مخالف است. در محیط‌هایی که جریان مخالف زیاد است، همان‌طور که قربانی زیاد است، افراد تکامل یافته هم به وجود می‌آیند...» (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۳)

### همنشین

به نظر مطهری تأثیر معاشرت و همنشینی چه در جهت نیکی و چه در جهت بدی واضح و آشکار است. انسان روح بسیار حساسی دارد و زود از دیگران تأثیر می‌پذیرد. ممکن است برخی اشخاص خود را فریب دهند و خیال کنند محیط و معاشرت در آن‌ها تأثیری ندارد ولی این فکر اشتباه است، چون انسان با روحی بسیار حساس و قابل تغییر آفریده شده است (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۸۰). به

همین دلیل معاشرت با صالحان و نیکان از جمله عواملی است که برای اصلاح و تربیت به آن توجه شده است.

مجالست و همنشینی با صالحان، آثار نیک فوق‌العاده‌ای دارد و بالعکس مجالست با بدان نیز آثار سوء فوق‌العاده‌ای دارد و این امری اجتناب‌ناپذیر است؛ یعنی انسان وقتی با کسی معاشرت می‌کند، هر چه بخواهد خود را کنترل و ضبط کند که از طرف مقابل تأثیر نپذیرد باز کم و بیش تأثیرپذیر است. انسان در معاشرت باید انتخاب داشته باشد. معاشرت اخلاقی غیر از معاشرت معلّم با متعلّم و یا مربّی با زیردست است؛ مقصود انیس گرفتن است. هر کس در دنیا دوست یا دوستانی دارد، دوستی که با او انس دارد و معاشر است. انسان برای تربیت و اخلاق خودش در معاشر و انیس و دوست هم باید انتخاب درستی داشته باشد. انسان دو نوع معاشرت دارد: در یک نوع معاشرت‌ها انسان به اصطلاح دروازه‌ی روح خود را می‌بندد و خود را مخفی می‌کند، نه خودش را آن‌گونه که هست به طرف مقابل نشان می‌دهد و نه آمادگی پذیرش طرف مقابل را دارد. مثل زمانی که انسان اولین بار با کسی برخورد می‌کند، هم او زود حالتی پیدا می‌کند که خودش را در مقابل انسان می‌گیرد و هم انسان قیافه‌ای مصنوعی به خودش می‌گیرد؛ یعنی همه‌ی آنچه هست را به او نشان نمی‌دهد ولی به محض این که با یکدیگر صمیمی شدند، دیگر درددل‌ها شروع می‌شود، دو طرف هر چه دارند به هم می‌گویند و یا لااقل پنهان نمی‌کنند. این معاشرت‌های صمیمانه است که فوق‌العاده اثر دارد و ممکن است حالت ارادت در انسان پیدا شود. مسئله‌ی ارادت و شیفتگی به شخصی معین، بالاترین و بزرگ‌ترین عامل در تغییر انسان است و اگر این ارادت که در انسان به وجود می‌آید، درست باشد فوق‌العاده او را خوب می‌کند و اخلاق و روحیاتش را تغییر می‌دهد و اگر نابجا و نادرست باشد، آتشی است که آدمی را آتش می‌زند (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۶۱-۲۵۹).

### عادت

بنا به اعتقاد مطهری انسان نباید کاری کند که چیزی برایش به صورت عادت درآید و به آن انس گیرد؛ به نحوی که ترک کردن آن کار برایش دشوار باشد و کار را نه به حکم عقل و اراده بلکه

به حکم عادت انجام دهد؛ اما عادات مطلقاً بد نیستند (مطهری، ۱۳۸۵: ۶۰). مطهری عادات را به دو دسته‌ی فعلی و انفعالی تقسیم می‌کند:

«عادت فعلی آن است که انسان تحت تأثیر یک عامل خارجی قرار نمی‌گیرد؛ بلکه کاری را در اثر تکرار و ممارست، بهتر انجام می‌دهد. هنرها و فنون، عادت هستند. همین نوشتن ما عادت است نه علم... اولاً خاصیت این عادات این نیست که انسان خوی و انس می‌گیرد؛ بلکه خاصیت آن‌ها فقط این است که انسان تا وقتی که عادت نکرده است اراده‌اش در مقابل محرکات ضعیف است ولی وقتی که عادت کرد قدرت مقاومت پیدا می‌کند... ثانیاً علمای اخلاق که به عادت خیلی اهمیت می‌دادند؛ می‌گفتند: عادت، کاری را که بر حسب طبیعت برای انسان دشوار است، آسان می‌کند. گاهی انسان می‌خواهد کاری را انجام دهد که بر خلاف طبیعت اوست. طبعاً وقتی «سخت» برای انسان عادت شد و به صورت ملکه درآمد، آن دشواری در مبارزه با طبیعت از میان می‌رود (مانند سحر خیزی...). ثالثاً... اراده‌ی اخلاقی انسان باید تابع عقل و ایمانش باشد... برای این که ما نیروی عقل و اراده را در خود تقویت کنیم دو راه وجود دارد: یکی این که جسم و طبیعت را ضعیف نگه داریم تا عقل در ما قوی شود. این مثل این است که یک آقابلی می‌خواهد قهرمان شود، برای قهرمان شدن و فاتح شدن بگوید طرف مقابل را لاغر و ضعیف نگه دارید تا من بر او فاتح شوم. فاتح شدن بر ضعیف کاری نیست؛ هنر این است که او قوی باشد و تو قوی را مغلوب کنی... راه دوم این است که ببینیم از نیروی عادت کاری ساخته هست یا نه؟ می‌بینیم ساخته است؛ چون کارها را بر ما آسان می‌کند. ولی در عین حال باید عقل و اراده - و یا عقل و ایمان - را آن‌چنان قوی نگه داریم که همان طور که اسیر طبیعت نیست، اسیر عادت هم نباشد. واقعاً وقتی که چیزی برای انسان به صورت عادت درآمد، به آن خو و انس می‌گیرد و آن را به طور خودکار و ماشین‌وار انجام می‌دهد و گاهی اساساً کاری به عقل و ایمان ندارد، یعنی اگر عقل یا ایمان بگوید برخلاف آن عمل کن، نمی‌کند... گاهی عادت به صورتی در می‌آید که ارزش

تبیین دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن / ۲۵

کار خوب را از میان می‌برد... در عادات انفعالی است که ایجاد انس می‌شود و انسان اسیر آن می‌گردد. عادات انفعالی عاداتی است که انسان تحت تأثیر یک عامل خارجی، عملی را انجام می‌دهد... (مطهری، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۱).

مطهری سپس توضیح می‌دهد که عادات انفعالی در هر موردی بد است ولی عادات فعلی را نمی‌توان صرفاً چون عادت است بد دانست؛ اما به دلایل دیگری ممکن است بد باشند.

### تربیت در کودکی

به نظر مطهری، تربیت فن تشکیل عادت است. روحیه‌ی انسان در ابتدا حکم ماده‌ی شل و قابل انعقادی مثل گچ را دارد که ابتدا که آن را در آب می‌ریزند شل است و بعد سفت می‌شود. وقتی این ماده شل است آن را در هر قالبی بریزیم به همان شکل در می‌آید. می‌توان آن را به صورت انسان در آورد و یا به صورت حیوان. روح انسان نیز در زمان کودکی حالت قابل انعطافی دارد و مانند همان ماده‌ی شل است و هر چه انسان بزرگ‌تر می‌شود انعطاف‌پذیری او کمتر می‌شود؛ البته، انسان موجودی قابل تغییر و قابل توبه و بازگشت است و ممکن است در سن صد سالگی هم خود را تغییر دهد ولی بدون شک حالات روحی کم‌کم ملکه ذهن می‌شود و بازگشت آن‌ها کار دشواری است (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۶).

به عقیده‌ی استاد، برای رشد کودک، باید او را آزاد گذاشت. برخی از والدین از روی علاقه‌ی زیادی که به فرزندان دارند، در تمام کارها، از او سرپرستی می‌کنند؛ یعنی مرتب به او یاد می‌دهند و فرمان می‌دهند. کودکی که به این شیوه بزرگ شود، محال است که آدم رشد یافته‌ای شود باید کودک را هم هدایت کرد و هم آزاد گذاشت (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۲۳). در تربیت فرزند، نوعی کشمکش بین عقل و احساس وجود دارد؛ به این ترتیب که، هر کس به حکم غریزه به فرزند خود علاقه‌مند است و طبق همین علاقه آسایش و راحتی فرزند خود را می‌خواهد. از طرف دیگر، اگر بخواهد مطابق با عقل رفتار کند، تربیت کودک، خواه ناخواه ناراحتی‌هایی را برای او فراهم می‌آورد؛ مثلاً گاهی پدر و مادر باید رنج و فراق دوری فرزند را تحمل کنند. اگر انسان بخواهد

فرمان دل خود را بپذیرد باید از تربیت فرزند خود که یگانه وسیله‌ی سعادت آمیز اوست، صرف نظر کند و اگر بخواهد فرمان عقل را بپذیرد، ناچار باید بر خلاف رضای دل خود رفتار کند (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۳۴).

از این رو، پدر و مادران نادان که فرزندشان را دوست دارند و می‌خواهند به او محبت کنند، مطابق با خواسته‌ها و تمایلات کودک رفتار می‌کنند و کارهای دیگری از قبیل نوازش‌های بی‌حساب، مانع شدن از برخورد با سختی و نازپروردگی را در مورد کودکان به کار می‌گیرند. این‌ها کودک را ناتوان بار می‌آورد، او را در صحنه‌ی زندگی خلع سلاح می‌کند، کوچک‌ترین ناملایمی او را از پا در می‌آورد و کمترین تغییر وضعی سبب نابودی او می‌گردد؛ اما پدر و مادرانی که به تربیت کودک اهمیت می‌دهند، مطابق با عقل و مصلحت رفتار می‌کنند و کودک را از ابتدا با کار و زحمت و سختی آشنا می‌کنند (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۲۷-۲۲۶؛ مطهری، ۱۳۷۹: ۲۱۱).

هم‌چنین پدر و مادر نباید بین فرزندانشان تبعیض گذارند؛ پدر و مادرانی که علاقه‌مند به سعادت فرزندانشان هستند و میل دارند که فرزندانشان از کودکی روحیه‌ی سالم داشته باشند، نباید از ابتدا هیچ تبعیضی بین آن‌ها قائل شوند (مطهری، ۱۳۷۹: ۸۵). مطهری، نیز بازی را برای کودکان لازم می‌داند:

«بچه احتیاج به بازی دارد و خود این احتیاج به بازی یکی از حکمت‌های پروردگار است، یک مقدار انرژی در وجود کودک ذخیره است که او فقط به وسیله‌ی بازی می‌تواند این انرژی را دفع بکند، بچه‌ها گزینه‌ای دارند برای بازی کردن. حالا انسان اشخاصی را می‌بیند که می‌گویند می‌خواهم بچه‌ام را تربیت کنم. خوب چطور می‌خواهی تربیت کنی؟ نمی‌گذارد بچه‌ی پنج شش ساله برود با بچه‌ها بازی کند، هر مجلسی که خودش می‌رود بچه را هم می‌برد برای این که تربیت بشود، جلوی خنده‌ی او را می‌گیرد ... بچه‌ای که شما می‌دیدید در اثر تلقین در دوازده سالگی نمازش بیست دقیقه طول می‌کشد، نماز شب می‌خواند، دعا می‌خواند، یک مرتبه می‌بیند در بیست

تبیین دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن / ۲۷

و پنج سالگی یک فاسق و فاجر [می‌شود]... چرا؟ برای این که شما به بهانه‌ی مقامات عالیه، روح و سایر غرایز او را سرکوب کرده‌اید... سایر غرایز او را حبس کرده‌اید... همان کافی است که این نیروهای ذخیره شده‌ی سرکوب‌شده، یک مرتبه زنجیرها را پاره بکنند و به کلی تمام آن ساختمانی را که پدر [و مادر] در وجود او به غلط ساخته [اند] را ویران سازد...» (رجالی تهرانی، ۱۳۷۹: ۳۳-۳۴).

مطهری از هفت سالگی تا سی سالگی را دوره‌ی شکوفایی روح از نظر استعدادهای علمی، دینی و اخلاقی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۷).

### تشویق و تنبیه

مطهری به اهمیت تشویق و تنبیه نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: در مراحل اولیه‌ی زندگی تنها وسیله‌ی نشر و توسعه فضایل و کمالات آدمیت تشویق است (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۳۶). وی تنبیه را به عنوان یکی از «شرایط» تربیت می‌شناسد و آن را عامل «تربیت» نمی‌داند. از سوی دیگر، کودک باید از علت تشویق و تنبیه یا تهدید آگاه باشد. اگر کودک نفهمد به چه دلیل تنبیه می‌شود، روحش به کلی مشوّش می‌گردد. بسیاری از بیماری‌های روانی در اثر ترس و تنبیه بدنی در کودک پیدا می‌شود؛ بنابراین تنبیه عامل پرورش و شکوفا کردن نیست ولی عامل لازمی است. مطهری در کنار تنبیه، به مسأله‌ی ترس نیز توجه دارد. به اعتقاد ایشان، باید از عامل ترس استفاده کرد ولی نه به عنوان عامل رشد و پرورش استعدادهای عالی؛ بلکه از آن باید به عنوان عامل جلوگیری از رشد استعدادهای پست و پایین، عامل فرو نشانیدن و عامل جلوگیری از طغیان‌ها استفاده کرد (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۶-۴۷).

### استعدادهای طبیعی

به اعتقاد مطهری شکوفا شدن استعدادهای طبیعی عاملی در ایجاد فضایل اخلاقی می‌باشد و علاوه بر این که موجب مسرّت خاطر و نشاط کامل فرد می‌گردد، تعادل روحی او را حفظ می‌کند و او را آرام نگه می‌دارد و در نتیجه اجتماع نیز، از او آسایش می‌بیند؛ اما، جلوگیری و تحت فشار قرار

دادن استعدادهای طبیعی، علاوه بر این که عاملی در به وجود آمدن رذایل اخلاقی، می باشد، موجب هزاران ناراحتی و اضطراب و جنایت و انحراف می شود (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۷) به اعتقاد ایشان راه صحیح پرورش طبیعی استعدادهای بشری که به هیچ نوع آشفتگی و بی نظمی و اختلال منجر نشود، تنها با رعایت مقررات اسلامی میسر است (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۹).

### معلم

یکی از عواملی که انسان را به سوی فضایل و رذایل اخلاقی سوق می دهد، معلم است. مطهری در این باره چنین می گوید:

«مربی یعنی کسی که متصدی بهداشت روحی جامعه است. ما در بهداشت جسمی که بیشتر مربوط به محسوسات است، می بینیم چه اندازه تحصیل و مطالعه و تجربه لازم است تا یک نفر، آن هم در یک قسمت مخصوص، متخصص شمرده شود. قطعاً در بهداشت روحی، بیشتر فکر و تحصیل و مطالعه در رشته های مختلف علوم و تجربه، لازم است تا یک نفر صلاحیت عهده داری این وظیفه خطیر را پیدا کند. همان طوری که کوچک ترین اشتباه برای یک طبیب گاهی زیان های جبران ناپذیری برای یک فرد به بار می آورد و گاهی منجر به هلاکت مریض می شود؛ اشتباهات تربیتی و روحی نیز گاهی زیان های عظیم و غیرقابل جبرانی را در جامعه ایجاد می کند که یک ملت را تا پرتگاه فنا و اضمحلال سوق می دهد» (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۳).

پس معلم شایسته، یکی از شرایط تحصیل اخلاق نیک و دستیابی به فضایل اخلاقی به شمار می رود (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۹۳) و بالعکس معلمی که اخلاق ناشایسته داشته باشد، عاملی در جهت سقوط اخلاقی دانش آموز به شمار می رود.

### سلامت و بیماری

به نظر شهید مطهری بیماری تن و محرومیت از سلامت به نوبه ی خود در بر هم زدن تعادل روحی و ایجاد رذایل سهم بسزایی دارد. در مقابل، سلامت، علاوه بر اینکه یکی از نعمت های بزرگ خداوند است، شرط اخلاق خوب به شمار می رود (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۹۳).



### حسن تفاهم و سوء تفاهم

به عقیده‌ی استاد مطهری، حسن تفاهم یعنی یکدیگر را خوب فهمیدن و بالعکس، سوء تفاهم یعنی یکدیگر را بد فهمیدن.

خوب فهمیدن به این معنی است که افراد یکدیگر را آن گونه که هستند بفهمند و بد فهمیدن به این معنی است که یکدیگر را آن طور که هستند نفهمند، بلکه درباره‌ی یکدیگر دچار نوعی توهمات نیز باشند. البته کلمه «سوء تفاهم» در جایی گفته می‌شود که توهمات‌هایی که افراد درباره‌ی یکدیگر دارند، از نوع سوءظن باشد، یعنی در زمینه‌ی «بدی» بوده باشد. اما اگر در زمینه‌ی خوبی‌ها و از نوع حسن ظن‌های غلط بوده باشد، سوء تفاهم نامیده نمی‌شود؛ یعنی اگر دو نفر به غلط درباره‌ی یکدیگر حسن عقیده پیدا کنند گفته نمی‌شود که این دو نفر نسبت به یکدیگر سوء تفاهم پیدا کرده‌اند. به عقیده‌ی استاد، سوء تفاهم در هر موردی و نسبت به هر شخصی بد است، زیرا یکی از عوامل به وجودآورنده‌ی رذایل اخلاقی از جمله گمراهی و ضلالت می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۴: ۹).

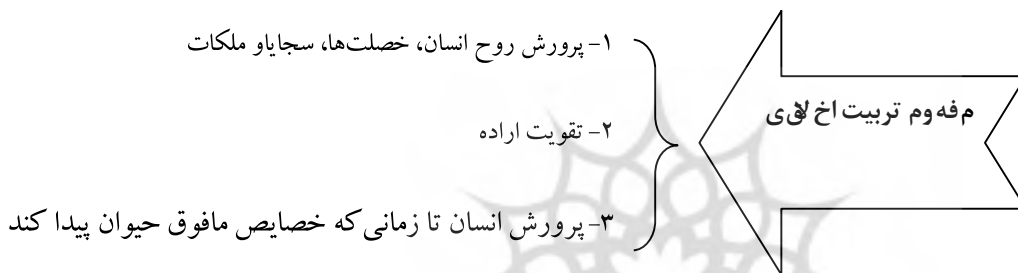
### دلالت‌های تربیت اخلاقی با استناد به دیدگاه‌های مطهری

#### مفهوم تربیت اخلاقی

تربیت به نظر مطهری به معنی پرورش دادن یعنی به فعلیت درآوردن استعداد‌های درونی شی می‌باشد. فایده‌ی تربیت این است که پایه‌های اخلاقی را به گونه‌ای در روح افراد شکل می‌دهد که هیچ‌گاه اراده‌ی انسان متوجه کارهای زشت و پست نمی‌شود. اخلاق نیز دانش زیستن است و می‌خواهد به انسان‌ها پاسخ دهد که زندگی نیک برایشان کدام است و چگونه باید عمل کنند.

با وجود این که اخلاق خود نوعی تربیت است؛ اما تربیت با اخلاق تفاوت دارد. اخلاق به معنی کسب نوعی خلق، حالت و عادت است و تربیت به معنی پرورش و ساختن می‌باشد. از نظر تربیت تفاوتی ندارد که تربیت چگونه و برای چه هدفی باشد؛ به عبارت دیگر تربیت در مورد حیوانات نیز به کار می‌رود و در مفهوم تربیت قداست نهفته نیست؛ اما کلمه‌ی اخلاق را در مورد حیوانات به

کار نمی‌برند، اخلاق مختص به انسان است. در مفهوم اخلاق قداست نهاده شده است. فنّ تربیت و فنّ اخلاق دو فن است؛ یک فن نیست. وقتی فنّ تربیت گفته می‌شود، منظور پرورش مطلق به هر شکلی است و بستگی به هدف ما دارد که فرد را چگونه، به چه منظوری و برای چه هدفی پرورش دهیم؛ اما اخلاق تابع غرض ما نیست. با توجه به آن چه گفته شد، تربیت اخلاقی به مفهوم پرورش روح انسان، خصلت‌ها، سجایا و ملکات و همچنین تقویت اراده می‌باشد؛ علاوه بر این پرورش انسان تا زمانی که خصایص مافوق حیوان پیدا کند، مفهوم تربیت اخلاقی می‌باشد. مفهوم تربیت اخلاقی از نظر مطهری در نمودار شماره ۱ آمده است:



نمودار شماره ۱: مفهوم تربیت اخلاقی از نظر شهید مطهری

### اهداف تربیت اخلاقی

به عقیده‌ی مطهری هدف همان حقیقت است که باید به آن ایمان داشته باشیم. هدف اصلی ایمان به خدا است و هدف‌های دیگر در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارند. هدف از خلقت انسان نیز نیرومند شدن در علم و اراده است.

اهداف تربیت اخلاقی دستیابی به سعادت، کمال، لذت، ارزش‌های انسانی، فضیلت‌دوستی و دوری از رذایل می‌باشد. سعادت خوشی هر چه بیشتر است که در آن هیچ‌گونه رنج و آلمی (اعم از روحی، جسمی، دنیوی و اخروی) وجود نداشته باشد. سعادت منحصر به خوشی‌های حسی نیست

و تشخیص آن با عقل است. سعادت مفهومی کلی، انتزاعی و همه‌جانبه است و هیچ نوع ندامت و پشیمانی به دنبال ندارد. منتهای سعادت نیز در محکم‌ترین اطمینان عقلی، پاک‌ترین نیت قلبی و نیکوترین عمل می‌باشد. تربیت اخلاقی باعث به کمال رسیدن انسان نیز می‌شود. سعادت و کمال غیرقابل انفکاک هستند؛ هر کمالی خود نوعی سعادت است. لذت به دنبال سعادت و کمال می‌آید و به دو دسته‌ی حسی و غیرحسی (معنوی) تقسیم می‌شود. تربیت اخلاقی بیشتر به دنبال لذت معنوی است؛ مثل لذتی که یک عالم از کشف حقیقت احساس می‌کند. لذت و کمال از یک‌دیگر جداناپذیرند؛ هر کمالی خواه‌ناخواه نوعی لذت به دنبال خود می‌آورد. از دیگر اهداف تربیت اخلاقی دست‌یابی به فضایل اخلاقی و ارزش‌های انسانی است. تربیت اخلاقی باید به گونه‌ای باشد که افراد فضیلت را به خاطر خود فضیلت و نه برای چیز دیگر دوست داشته باشند. هر کار اختیاری که انسان انجام می‌دهد، به خاطر یک هدف است. هدفی را که انسان دنبال می‌کند، برایش ارزش قائل است. این ارزش‌ها ممکن است مادی و یا معنوی باشند؛ یعنی اهداف جاذبه‌ای برای انسان دارند و الاً محال است که چیزی برای انسان جاذبه نداشته باشد و انسان به دنبال آن برود. دست‌یابی به فضایی از قبیل حکمت، شجاعت، عدالت و ایثار از اهداف تربیت اخلاقی می‌باشد. حکیم بودن انسان به این معنی است که در هر کاری غایتی معقول دارد و در کارهای خود عالی‌ترین و فاضل‌ترین هدف‌ها و بهترین وسیله‌ها را برای رسیدن به آن هدف‌ها انتخاب می‌کند. خودشناسی نیز هدف تربیت اخلاقی است. خودشناسی یک نوع درون‌نگری است که باعث می‌شود انسان «خود عقلانی» و حقیقت وجودی خود را کشف کند و در پرتو این کشف شرافت خود را دریافته و به اخلاق حسنه و ارزش‌های عالی انسانی گرایش پیدا کند. خودشناسی دو هدف دارد؛ اولین هدف پی بردن به اخلاق و عمل است یعنی انسان بداند که در زندگی و در جهان چه باید کند و چگونه باید رفتار کند و هدف دوم آگاهی از راز اصلی جهان هستی یعنی خدا است.

عالی‌ترین هدف تعلیمات مریبان اخلاق مالکیت و تسلط بر نفس است. هر کاری انسان با اختیار خود انجام می‌دهد، ابتدا فکر و اندیشه‌ی آن کار در ضمیر او پیدا می‌شود و سپس فواید و مضراتش در نظر وی مجسم می‌شود و بعد میل غریزی تحریک می‌شود و پس از آن به مرحله عزم و تصمیم و اراده می‌رسد و منجر به عمل می‌شود. پس اراده عنصری مهم در مالکیت بر نفس و تسلط بر خویشتن است، زمانی که شهوات و هواهای نفسانی طغیان می‌کنند و عقل و اراده‌ی اخلاقی فرد را مغلوب می‌نمایند، واقعاً خود انسان یعنی شخصیت حقیقی و انسانی انسان شکست خورده و خودش مغلوب طفیلی‌های وجود خویش شده و هر زمانی که عقل و اراده بر هواهای نفسانی غالب شود، خود انسان یعنی جوهر شخصیت انسانی انسان بر طفیلی‌های وجود خویش غالب شده و فایق آمده است. حس اعتماد به نفس یکی دیگر از هدف‌هایی است که علمای تعلیم و تربیت تلاش خود را در جهت بیدار کردن این حس در انسان به کار می‌گیرند. منظور از پیدا کردن حس اعتماد به نفس در انسان از نظر اسلام این است که امید انسان از هر چه غیر از عمل خودش است از بین برود.

رسیدن به تقوا نیز از دیگر اهداف تربیت اخلاقی می‌باشد. تقوا به معنی تسلط عقلانی بر احساسات و خواهش‌های نفس می‌باشد؛ تقوا یک ارزش انسانی و فضیلت اخلاقی است و لازمه انسانیت است. انسان اگر بخواهد از طرز زندگی حیوانی و جنگلی خارج شود، ناچار است که تقوا داشته باشد.

پرورش قوه تفکر و تعقل نیز هدف تربیت اخلاقی است. انسان برای این که از چنگال تسلط شهوات تباه کننده‌ی جسم و جان، عقل و ایمان و دنیا و آخرت نجات پیدا کند، راهی جز تقویت نیروی عقل ندارد. این تفکر اخلاقی شبیه محاسبه‌النفس می‌باشد؛ یعنی انسان باید در شبانه روز فرصتی قرار دهد و در آن فرصت، خود را از همه چیز قطع کند و به اصطلاح درون‌نگری نماید. دستیابی به کرامت و عزت نفس از دیگر اهداف تربیت اخلاقی می‌باشد. کرامت و عزت و بزرگواری جزئی از سرشت انسان است. اگر انسان خود را آن چنان که هست بیابد، کرامت و

تبیین دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن / ۳۳

عزت می‌یابد: برای انسان نیز موهبتی بزرگ‌تر از احساس عزت و شرافت نیست. دوری از رذایل مانند حسد، تن‌پروری، دروغ، تهمت، استعمار و ظلم از دیگر اهداف تربیت اخلاقی است. اگر چه شهید مطهری به طور جزئی وارد مسأله اهداف نگردیده‌است اما یک چهارچوب و اصول کلی مناسب را در زمینه اهداف تعلیم و تربیت ترسیم نموده‌است که می‌تواند دستمایه‌ای روشن برای برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت محسوب گردد. اهداف تربیت اخلاقی از نظر شهید مطهری در نمودار شماره ۲ آمده است:

- ۱- دستیابی به سعادت، کمال، ارزش‌های انسانی و تقوا
- ۲- فضیلت دوستی
- ۳- خودشناسی
- ۴- مالکیت و تسلط بر نفس
- ۵- پرورش تفکر و تعقل
- ۶- کرامت و عزت نفس
- ۷- دوری از رذایل
- ۸- تزکیه و تهذیب نفس

اهداف تربیت اخلاقی

نمودار شماره ۲: اهداف تربیت اخلاقی از نظر شهید مطهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## معلم

مربی یعنی کسی که متصدی بهداشت روحی جامعه است. ما در بهداشت جسمی که بیشتر مربوط به محسوسات است، می‌بینیم چه اندازه تحصیل و مطالعه و تجربه لازم است تا یک نفر بتواند عهده‌دار این وظیفه‌ی خطیر شود. همان‌گونه که کوچک‌ترین اشتباه یک پزشک گاهی زیان جبران ناپذیری برای یک فرد به بار می‌آورد و گاهی منجر به هلاکت بیمار می‌گردد، اشتباهات تربیتی و روحی نیز گاهی زیان‌های عظیم و غیر قابل جبرانی را در جامعه ایجاد می‌کند که یک ملت را تا پرتگاه فنا و اضمحلال سوق می‌دهد. معلم شایسته یکی از شرایط تحصیل اخلاق نیک و دست‌یابی به فضایل اخلاقی به شمار می‌رود؛ اما معلمی که اخلاق ناشایسته داشته باشد، عاملی برای سقوط اخلاقی دانش‌آموزان می‌شود. معلم باید برای رشد دانش‌آموز او را آزاد گذارد؛ به عبارت دیگر هم باید او را هدایت کند و هم آزاد گذارد. وی باید هم به علایق مادی و هم به علایق معنوی کودک توجه کند و به آن‌ها نیز اجازه‌ی بازی دهد. مربی باید در تربیت کودک هدف داشته باشد؛ یعنی زمانی که مربی کودک را از کاری نهی می‌کند او باید بفهمد که چرا نباید این کار را بکند و الاً گنج می‌شود و حتی بیماری روانی پیدا می‌کند. کودک اگر مسیر راه برایش روشن باشد، پرورش توأم با شوق و رغبت خواهد داشت. وی باید از عامل تشویق و تنبیه استفاده کند اما کودک باید از علت تشویق و تنبیه آگاه باشد. از تنبیه بدنی نیز نباید استفاده کند. معلم باید سعی در شکوفا کردن استعدادهای طبیعی دانش‌آموزان داشته باشد. وی باید تلاش خود را در جهت بیدار کردن حس اعتماد به نفس در دانش‌آموزان به کار گیرد. هم‌چنین وی باید در توسعه فکر متعلم بکوشد و نیروی عقل او را تقویت کند.

معلم باید به دانش‌آموزان محبت حقیقی و منطقی داشته باشد، به آن‌ها آزادی بدهد، آن‌ها را گرامی‌دارد و به عبارت دیگر در آن‌ها احساس کرامت و عزت به وجود آورد. علاوه بر این وی باید در تربیت دانش‌آموزان صبر و حوصله به خرج دهد؛ چون صبر عاملی است که اگر از آن

استفاده شود، بی‌استعدادترین افراد هم، شاید در یک زمان طولانی به هدف و هم‌چنین به فضایل اخلاقی دست خواهند یافت.

شهید مطهری معتقد است که معلم باید قبل از نصیحت کردن به دانش‌آموزان، خود عامل به تربیت اخلاقی باشد. به نظر وی دلیل این‌که از انبیاء و اولیاء زیاد پیروی می‌کنند و بالعکس از فلاسفه و حکما آنقدرها که از انبیاء و اولیاء پیروی می‌شود، پیروی نمی‌کنند، این مسأله است که فلاسفه فقط می‌گویند و می‌نویسند و تئوری و نظریه می‌دهند، ولی انبیاء و اولیاء علاوه بر دادن تئوری و نظریه، عمل هم دارند، پیامبران و اولیاء اول عمل می‌کنند و بعد می‌گویند. وقتی انسان بعد از آن‌که خود عمل کرد، گفت؛ آن گفته اثرش چندین برابر خواهد بود.

از جمله صفاتی که مطهری با توجه به آیات قرآنی برای معلم و هر مبلغ و هر کسی که حامل پیام است و می‌خواهد پیام یا کلامی را به دیگران منتقل نماید، بیان می‌دارد، مسأله‌ی تواضع و فروتنی است که نقطه مقابل کبر و خود بزرگ‌بینی است. هم‌چنین وی باید در سخن گفتن نرمی و ملایمت داشته باشد و از به کار بردن الفاظ درشت و خشن و همراه با گوشه و کنایه پرهیز کند.

با توجه به آیات قرآن کریم یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار در هر پیام و کلام، سادگی، بی‌پیرایگی و روان بودن کلام است و آن‌چه که قرآن کریم از آن به عنوان بلاغ‌المبین یاد کرده و بر آن تأکید ورزیده، در واقع همان بیان و ابلاغ واضح، آشکار و روشن است و مقصود از روشن و آشکار همان مطلوب بودن، سادگی و بی‌پیرایگی کلام و پیام است، به طوری که طرف مقابل در کمال سهولت و سادگی، آن را فهم و درک نماید. بنابراین لازم است که معلم ضمن رعایت سادگی و بی‌پیرایگی کلام از به کار بردن لغات و جملاتی که ممکن است متعلم را نسبت به درک مطلب مورد نظر دچار مشکل و سردرگمی نماید، پرهیز نماید.

اعتراف به ندانستن از جمله صفات و خصوصیات است که لازم است معلم و مبلغ خود را به آن متخلّق نمایند. اعتراف به ندانستن جزء صفات پسندیده‌ای است که در زبان دین زیاد بر آن تأکید

شده است و چه بسیارند بزرگان و اولیاء دین که وقتی با مسأله یا سؤالی از سوی شاگردان خود مواجه می‌شدند که توان پاسخ‌گویی به آن سؤال یا مسأله را نداشته‌اند، به صراحت اعتراف به ندانستن می‌کرده‌اند. معلّم باید هم‌چنین در انتقال پیام، شهامت و شجاعت داشته باشد، به این معنا که نسبت به بیان حقایق و واقعیت‌ها از کسی یا چیزی هیچ‌گونه ترس و هراسی به خود راه ندهد و حقیقت پیام را کم و زیاد ننماید و در بیان حقایق هیچ‌گونه انعطافی از خود نشان ندهد. مربی و معلّم خوب باید تلاش خود را در جهت از بین بردن رذایل اخلاقی از قبیل بغض، حسد، تهمت، تن‌پروری، دروغ، از خود بیگانگی، استعمار و ظلم به کار گیرد. او نباید بین دانش‌آموزان تبعیض قایل شود، چون تبعیض و تفاوت بین افراد، روح‌کسانی را که محروم شده‌اند، فشرده، آزرده، کینه‌جو و انتقام‌کش می‌کند و روح افرادی را که بی‌جهت به صورت عزیز و محبوب درآمده‌اند، لوس، بیکاره، کم‌حوصله، زودرنج، مسرف و مبذّر می‌کند. ویژگی‌های معلّم از نظر شهید مطهری در نمودار شماره ۳ آمده است:

- 
- ۱- به وجود آوردن شرایط مناسب برای تربیت کودکان
  - ۲- تواضع، فروتنی، صبر
  - ۳- محبّت حقیقی به دانش‌آموزان
  - ۴- عامل به تربیت اخلاقی
  - ۵- نرمی و ملایمت در سخن و سادگی، بی‌پیرایگی و روانی کلام
  - ۶- اعتراف به ندانستن و شهامت و شجاعت در بیان حقایق

نمودار شماره ۳: ویژگی‌های معلّم از نظر شهید مطهری



## متعلم

به عقیده‌ی مطهری، دانش آموز خود نیز باید در جهت تربیت اخلاقی خود تلاش کند. برای این منظور ابتدا باید اراده‌ی خود را تقویت کند، به طوری که اراده حاکم بر عادات و طبایع باشد. او باید برای دستیابی به کمال تلاش خود را به کار گیرد. از این رو باید خود را به فضایل اخلاقی از قبیل حکمت، شجاعت و عدالت آراسته سازد، پایبند ارزش‌های معنوی شود، در رشد همه‌جانبه و هماهنگ ارزش‌ها تلاش کند، در هر کاری عالی‌ترین و فاضل‌ترین اهداف و بهترین وسیله‌ها را برای رسیدن به آن هدف‌ها برای خود انتخاب کند.

چون انسان از نظر اجتماعی آزاد است، از نظر اخلاق و معنویت باید آزادی خود را حفظ کند؛ برای این منظور متعلم باید در پی تزکیه و تهذیب نفس باشد. تهذیب نفس که برای هماهنگ ساختن دو کانون عقل و دل می‌باشد، مستلزم ضبط و کنترل خواهش‌های دل است. هم‌چنین باید در پی خودشناسی و خودآگاهی برآید. زمانی که باطن ذات و شرافت و کرامت خود را کشف کند، دیگر احتیاج به آموختن ندارد و این خود برای او الهام می‌شود که پستی و دنائت با این جوهر عالی سازگار نیست و به این ترتیب با نوعی معرفه‌النفس الهامات اخلاقی را دریافت می‌کند. برای رسیدن به این هدف باید در پی انواع خودآگاهی‌ها از قبیل فطری، جهانی، انسانی، طبقاتی و عارفانه باشد. علاوه بر این باید بر نفس خود مسلط باشد و بر طفیلی‌های وجود خویش غالب شود. مطهری عقیده دارد متعلم باید مدام از خود مراقبه و محاسبه کند. مراقبه به معنی بازرسی و مراقبت از خود و محاسبه به معنی حسابرسی از نفس می‌باشد. بعد از حسابرسی از خود، نیز باید اگر کم تخلف کرده بود خود را معاتبه کند؛ یعنی خود را ملامت کند؛ اما اگر زیاد تخلف کرده بود مسأله معاقبه به میان می‌آید، یعنی باید خود را عقوبت کند. وی باید در کنار تعلیم به کار کردن نیز اهمیت بدهد؛ زیرا کار دارای فواید زیادی می‌باشد. کار باعث تمرکز قوه خیال، جلوگیری از گناه، آزمودن خود، منطقی شدن فکر، خضوع و خشوع قلب و حفظ شخصیت و حیثیت و استقلال

می‌شود. کار منشأ علم است و عقل و فکر انسان را اصلاح و تربیت می‌کند؛ اما باید از افراط و تفریط در کار پرهیز کرد.

دانش‌آموز باید فرصت‌هایی را که به دست می‌آورد غنیمت شمارد؛ چون سعادت‌ها و موفقیت‌هایی که نصیب بسیاری از افراد شده، بیش از آن مقدار که مربوط به استعداد و لیاقت آن‌ها باشد، مربوط به هوشیاری و بیداری و استفاده کردن از فرصت‌ها است و باید سعی در به دست آوردن حس اعتماد به نفس کند؛ یعنی امید خود را از هر چه غیر عمل خود است قطع کند و باید خدمتگزار خلق باشد. علاوه بر این باید تقوا داشته باشد؛ یعنی بر احساسات و خواهش‌های نفسانی به واسطه عقل خود مسلط شود. کسی که به دنبال کسب علم و دانش است باید به حال دانش‌آموزانی که برتر از او هستند، غبطه خورد؛ چون در این صورت در پی این آرزو تلاش می‌کند و بعد از آن پیشرفت می‌کند. وی برای این که از چنگال تسلط شهوات تباه کننده جسم و جان، عقل و ایمان و دنیا و آخرت نجات پیدا کند، باید نیروی عقل خود را تقویت کند. یکی از راه‌های تقویت نیروی عقل، این است که کاری کند که تعقل و تفکر برایش به صورت یک عادت در آید و از عجله در تصمیم‌گیری پرهیزد. او باید در شبانه‌روز فرصتی برای خود قرار دهد که در آن فرصت، خودش را از همه چیز قطع کند و به اصطلاح نوعی درون‌نگری نماید، به خود فرو رود و درباره‌ی خود و اوضاع خود تصمیماتی که باید بگیرد و کارهایی که باید انجام دهد، فکر کند. دانش‌آموز باید در تمام شئون حیاتی خود آزاد باشد و با موانعی که مانع رشد و تکاملش می‌شود، مبارزه کند هم‌چنین باید عزت نفس داشته باشد. داشتن صبر نیز از دیگر صفات دانش‌آموز می‌باشد؛ اشخاصی که دارای صبر و ثبات و استقامت باشند، دارای شخصیت بزرگ اخلاقی و عظمت روحی خواهند بود.

متربی باید در طی نمودن راه علم و دانش به خدا توکل کند، چون هدف صحیح و خداپسندانه‌ای دارد، باید مطمئن باشد که خداوند او را تحت حمایت خود قرار می‌دهد. او باید در پرورش جسم

تبیین دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن / ۳۹

و روح خود تلاش کند و رذایلی مانند بغض، حسد، تن‌پروری، دروغ، تهمت، از خود بیگانگی، استعمار و ظلم دوری جوید.

متعلم نباید از علمی که به دست آورده مغرور شود؛ چون باعث جنون می‌شود و جنون علم ناشی از علم اندک و ادراک ضعیف است. او هم‌چنین باید با افراد نیک و صالح هم‌نشین شود و نسبت به آن‌ها ارادت و شیفتگی پیدا کند.

ویژگی‌های متعلم از نظر شهید مطهری در نمودار شماره ۴ آمده است:

- ۱- آراستگی به فضایل اخلاقی و تقوا، تقویت اراده
- ۲- تزکیه و تهذیب نفس، هم‌نشینی با صالحان
- ۳- خودشناسی، مراقبه و محاسبه و تقویت نیروی عقل
- ۴- کار کردن در کنار درس خواندن و اغتنام فرصت‌ها
- ۵- صبر، توکل و غبطه
- ۶- دوری از رذایل و مغرور نشدن به علم خود

متعلم

نمودار شماره ۴: ویژگی‌های متعلم از نظر شهید مطهری

### ارزشیابی

مطهری در ارتباط با ارزشیابی به صورت آشکار صحبتی نکرده است. یکی از مواردی که می‌توان از گفته‌های ایشان به آن پی برد تأکیدی است که برارزیاب بودن عقل دارد. وی بر این عقیده است که یکی از بارزترین صفات عقل در انسان با توجه به آیات و روایات اسلامی، نقش ارزشیاب بودن عقل در برخورد با مسائل مختلف است و عقل باید حکم غربالی داشته باشد که دست به گزینش و انتخاب می‌زند (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۹-۳۷).

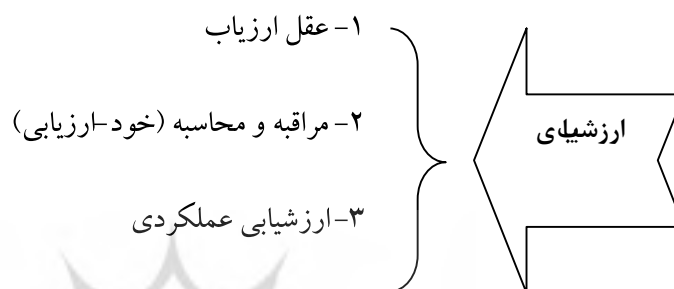
از سوی دیگر، به نظر می‌آید که مفهوم مراقبه و محاسبه با خود-ارزیابی ارتباط نزدیک و بلافصلی داشته باشد. مطهری مراقبه را مادر همه‌ی مسائل اخلاقی می‌شناسد و آن را چیزی می‌داند که همیشه باید همراه انسان باشد، یعنی انسان باید همیشه حالت مراقبه داشته باشد. محاسبه نیز از نظر مطهری در معنای حساسی از نفس به کار می‌رود (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۵۰-۲۴۹). خود ارزیابی در واقع توسعه و پرورش توانایی قضاوت و اظهار نظر در دانش آموزان می‌باشد تا بتوانند در مورد کیفیت و مطلوبیت فعالیت‌ها و کارها تصمیم‌گیری نمایند (میرزایی و پورمحمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۹). به عقیده آنجلو<sup>۱</sup> و کراس<sup>۲</sup>، خود-ارزیابی مورد غفلت واقع شده است، در صورتی که فرایند خود-ارزیابی باید به طور منطقی و ایده‌آل ارتقا پیدا کند. به نظر آن‌ها خود-ارزیابی در موارد زیر می‌تواند مفید باشد:

- ۱- بهبود تجارب آموزشی که برای دانش آموزان فراهم شده است.
  - ۲- تشخیص آموزش حرفه‌ای که برای توسعه استعدادها در جهت تدریس بهتر نیاز است.
  - ۳- آماده کردن افراد برای سرپرستی در دوره‌های اجرایی.
  - ۴- ارزیابی استعدادهای افراد برای پیشرفت و ترقی بیشتر (آنجلو و کراس، ۱۹۹۳).
- به علاوه، مطهری در تربیت اخلاقی به «عمل» تأکید دارد. به عقیده وی اخلاق خوب و تربیت خوب را باید به دست آورد و همه‌ی دستورها و توصیه‌ها در پرتو عمل جنبه اخلاقی به خود می‌گیرند (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۳۴). به نظر مطهری صفات نیک و بد در اثر عمل، تکرار و تلقین در روح انسان جایگزین می‌شوند و به صورت ملکه فاضله یا رذیله درمی‌آیند (مطهری، ۱۳۸۴: ۳۶). به این ترتیب تأکید مطهری به عمل در تربیت اخلاقی با ارزشیابی عملکردی ارتباط نزدیکی دارد. ارزشیابی از دیدگاه اسلام نیز بیشتر جنبه عملکردی است؛ به عنوان مثال چنانچه فردی همه‌ی احکام حج را بداند؛ اما در عمل با وجود شرایط استطاعت حج به جا نیاورد، از

<sup>1</sup> - Angelo

<sup>2</sup> - Cross

دیدگاه دین، او هیچ بهره‌ای از آموخته‌های خود ندارد؛ به عبارت دیگر در ارزشیابی عملکردی فرد باید با اعمال خویش دانسته‌های خود را نشان دهد و به زبان و گفتار اکتفا نکند (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۳۸). در ارزشیابی عملکردی از دانش آموزان خواسته می‌شود که درگیر تکالیف پیچیده شوند یا چیزی را تولید نمایند. بسیاری از این نوع ارزشیابی‌ها در محیط‌های واقعی رخ می‌دهد و یا این‌که به سطح بالای مهارت‌های مورد نیاز زندگی توجه می‌نمایند.



نمودار شماره ۵: انواع ارزشیابی از نظر شهید مطهری

### نتیجه‌گیری

در مجموع به عقیده مطهری، تربیت به معنی پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعداد‌های درونی موجود در شی می‌باشد. به ارتباط انسان با خود و چگونگی روح انسان؛ یعنی صفاتی که در روح انسان بر اثر عمل، تکرار و تلقین ملکه شده است، اخلاق گفته می‌شود. با توجه به این‌که اخلاق شرط کمال انسان و یکی از اهداف نهایی بعثت است و در سرنوشت اخروی انسان تأثیر دارد، ضرورت اخلاق و تربیت اخلاقی پی می‌بریم.

هدف تربیت اخلاقی از نظر شهید مطهری عبارت است از: دستیابی به سعادت، کمال، ارزش‌های انسانی و تقوا، فضیلت‌دوستی، خودشناسی، مالکیت و تسلط بر نفس، پرورش تفکر و تعقل، کرامت و عزت نفس، دوری از رذایل و تزکیه و تهذیب نفس. معلم باید شرایط مناسبی برای تربیت کودکان فراهم سازد و به آن‌ها عشق و محبت داشته باشد. وی باید متواضع، فروتن، صبور و

عامل به تربیت اخلاقی باشد. همچنین در گفتار و سخن نرمی و ملایمت داشته و در بیان حقایق شهامت و شجاعت داشته باشد. دانش آموز نیز باید به فضایل اخلاقی و تقوا آراسته باشد، در تقویت اراده خود بکوشد، با صالحان و نیکان همنشین شود، تلاش خود را در جهت خودشناسی، مراقبه و محاسبه و تقویت نیروی عقل به کار بندد و به علمی که کسب می کند، مغرور نشود. مطهری در تربیت اخلاقی به عمل تأکید دارد. به عقیده وی اخلاق و تربیت خوب را باید به دست آورد و همهی دستورها و توصیه ها در پرتو عمل جنبه ی اخلاقی به خود می گیرند. تأکید مطهری به عمل در تربیت اخلاقی می تواند با ارزشیابی عملکردی ارتباط نزدیکی پیدا کند. علاوه بر این وی مراقبه و محاسبه (خود-ارزیابی) را در ارزشیابی تربیت اخلاقی مؤثر می داند.



## منابع و مأخذ

- ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۶۲). **شهید مطهری افشاگر توطئه تأویل «ظاهر» دیانت به «باطن» الحاد و مادیت**: دفتر انتشارات اسلامی .
- امید، مسعود (۱۳۸۱). **فلسفه اخلاق در نظام معرفتی مطهری**، در مجموعه باز فهمی اندیشه‌های استاد مطهری: پژوهشکده فرهنگ و معارف .
- بانشی، سعید (۱۳۸۱). **تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مرتضی مطهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز.
- حسینی، سید فخرالدین (۱۳۶۰). **فرازهایی از اندیشه‌های استاد شهید مطهری**، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی .
- دوستداری، اعظم (۱۳۸۷). **مقایسه دیدگاه‌های اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی و شهید مطهری و تلویحات تربیتی این دو نظریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز.
- رجالی تهرانی، علی‌رضا (۱۳۷۹). **سیمای کودک، نوجوان و جوان در آثار استاد شهید مرتضی مطهری**، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان.
- رحیمی، علی‌رضا (۱۳۸۷). **نمی از یم ارزشیابی از دیدگاه اسلام**، مجموعه مقالات همایش ملی ارزشیابی تحصیلی-تربیتی دوره عمومی، چاپ اول، قم: انتشارات حضرت معصومه (ع).
- رودگر، محمد جواد (۱۳۷۵). **مطهری شناسی**، چاپ اول. دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه گیلان.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۵). **شطحیات تربیتی: گزاره‌های ناباب در تربیت نایاب**، تهران: انتشارات عابد .
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). **اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب**، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). **اسلام و نیازهای زمان**، جلد اول، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). **انسان در قرآن**، جلد چهارم، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). **انسان کامل**، چاپ هفتم، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). **بیست گفتار**، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). **پیرامون جمهوری اسلامی**، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). **تعلیم و تربیت در اسلام**، چاپ چهل و نهم، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). **تکامل اجتماعی انسان**، چاپ نهم، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). **حکمت‌ها و اندرزها**، جلد اول، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). **حکمت‌ها و اندرزها**، جلد دوم، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). **علل گرایش به مادیگری**، چاپ هشتم، قم: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). **فطرت**، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). **فلسفه اخلاق**، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). **فلسفه تاریخ**، چاپ دهم، جلد اول، تهران: انتشارات صدرا.

میرزایی، علی‌رضا محمد و قربانی پورمحمدی، حمید (۱۳۸۷). **کیفیت‌بخشی به ارزشیابی**

**پیشرفت تحصیلی**، در مجموعه مقالات همایش ملی ارزشیابی تحصیلی - تربیتی دوره

عمومی، چاپ اول، قم: انتشارات حضرت معصومه (ع).

میناگر، عبدالرضا (۱۳۸۱). **اخلاق و تربیت اسلامی**، بروجرد: انتشارات فروغ ماه.

Angelo & Cross. (1993). **teaching strategies: Guided Self Evaluation**, <<http://www.flinders.edu.au>>. [31Dec2008]